

# داد و ستد در دوره صفوی

توسعه تجارت يك کشور بستگی به روابط نیکوی آن کشور با کشورهای خارجی دارد و اقدام مهم شاه عباس اول در توسعه تجارت، ایجاد روابط بازرگانی با ممالک خارجی خصوصاً اروپائیان بود تا کالای ایران و کالای چین و هند را که از ایران میگذشت در کمال امنیت به آن کشورها برسانند و در این مورد اقدامات بسیار مهمی شده است که تفصیل آن را باید در کتب تاریخی دید.

مستقیم

دکتر ابراهیم باستانی پاریزی

دکتر قریناخ

شاه عباس با اقلیت عیسویان که میتوانستند روابط او را با ممالک اروپا بعلمت هم کیشی تکمیل کنند رفتار بسیار ملایم داشت و خصوصاً چندین هزار

☆ — آقای دکتر باستانی پاریزی که خوانندگان مجله بررسی های تاریخی با قلم شیوا و نوشته های محققانه ایشان آشنا هستند کتابی درباره «سیاست و اقتصاد صفوی» در دست تألیف دارند که بزودی انتشار خواهد یافت و مقاله «داد و ستد در دوره صفوی» فصلی از آن کتاب است که مؤلف آن، بغواش ما برای درج در این شماره مجله اختصاص داده اند و از این بابت از معظم له سپاسگزاریم.

بررسی های تاریخی

ارمنی را از سرحدات عثمانی و جلغا به اصفهان کوچ داد که تشکیل محلهٔ جلغا (در ۱۰۱۵ = ۱۶۰۶ م) نتیجهٔ این مهاجرت است.<sup>۱</sup>

شاه، بندر مهم هرموز<sup>۲</sup> (نزدیک میناب) و بندر جرون را که بعدها بنام خود او «عباسی» یا بندرعباس نامیده شد، توسعه داد و امنیت آنجا را بکمک حکمرانان وفادار خود در فارس و کرمان تأمین کرد و چنان کرد که «گاه بیش از سیصد کشتی از کشورهای مختلف در لنگرگاه هرموز جمع می‌شدند و همیشه چهارصد تاجر در آن شهر اقامت داشتند.»<sup>۳</sup> و این شهر چهل هزار جمعیت داشت.

**ابریشم کالای پر سود** - تجارت عمده ای که از این بنادر انجام میشد مروراید و ابریشم و ادویه و سنگهای قیمتی بود. انگلیسیها دز تأمین حاکمیت ایران بر این بنادر، کمکهای ذیقیمتی نمودند<sup>۴</sup> و شاه نیز در امر تجارت بدین سبب به آنان امتیازاتی داد و از آن پس تجار ایران توانستند بدون نظارت و دخالت پرتغالیان ابریشم خود را صادر کنند.<sup>۵</sup>

رفتن برادران شرلی به دربارهای اروپائی نیز بیشتر بمنظورهای تجارتهی و یافتن بازارهای مطمئن برای کالاهای تجارتهی ایران بود. امتیازات تجارتهی ایران برای انگلستان تا زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان ادامه داشت و تنهادر زمان این پادشاه اخیر بود که شیخعلی خان زنگنه وزیر با تدبیر و کاردان او قسمتی از امتیازات آنان را سلب کرد.

معمولاً در برابر ابریشم، کالاهای اروپائی خصوصاً ماهوت دریافت میشد. پرتغالیان وهلندیان نیز در هرمز مرکز تجارتهی باز کردند، مرکز تجارتهی آنان

۱- از کتاب مسائل کشورهای آسیائی و افریقائی، مجید رهنما، ص ۱۸۰

۲- بعد از خرابی شهر هرموز و مهاجرت مردم آن به این جزیره، نام شهر بجزیره داده

شده است.

۳- سیاست خارجی ایران ص ۱۴

۴- تصرف بندر هرمز در ربیع الثانی ۱۰۲۲ توسط امامقلی خان گرفت

۵- سیاست خارجی ایران ص ۳۱

مصونیت قضائی داشت،<sup>۶</sup> و هر کالائی را جز اسب، میتوانستند از ایران خارج کنند.<sup>۷</sup> امتیازات هلندیان در زمان شاه صفی بیشتر شد و کالای آنان نیز از پرداخت حقوق گمرکی معافیت یافت. قسمت عمده محصولات هندوستان و جزائر جاوه و سوماترا، مانند فلفل و زعفران و انواع ادویه، توسط ایشان به ایران می آمد و کشتی های هلندی پیوسته میان هندوستان و ایران در رفت و آمد بودند، حتی در ۱۰۵۱-۵۱ (۱۶۶۰م) بازرگانان هلند برای اینکه تجارت خارجی را بخود انحصار دهند، کالای اروپائی را از قیمت اصلی در ایران ارزانتر می فروختند. رقابت آنان به جایی رسید که وقتی نماینده دوک هلشتاین برای عقد پیمان تجارتنی به ایران آمد (۱۰۴۷، ۱۶۳۷م) تا ابریشم خریداری کند، قیمت خرید هر بار ابریشم را از ۴۲ تومان به ۵۰ تومان ترقی دادند تا این نماینده خارجی نتواند با آنان رقابت کند، و چون نمایندگان هلشتاین باز گشتند، باز موقع را مناسب یافته قیمت بار ابریشم را به ۴۴ تومان تنزل دادند و شاه که متوجه کلاه گذاری آنان شد دستور داد از آن وقت بعد از کالاهای هلندی گمرک گرفته شود. انگلیسها و هلندیان نیز همچنان به رقابت تجارتنی ادامه میدادند. این کار حتی به جنگ دریائی آن کشور در خلیج فارس منتهی شد.<sup>۸</sup> شرکتهای هلندی بیشتر در بندر عباس و لار و اصفهان نمایندگی داشتند. امتیازات هلندیان در زمان شاه سلیمان محدود شد و فقط به سیصد بار ابریشم (نصف زمان شاه عباس دوم) تقلیل یافت.<sup>۹</sup>

باید گفته شود که کالای صادراتی مهم ایران در این زمان عبارت بود از ابریشم

۶- سیاست خارجی ص ۲۶۱ و این مصونیت درست در همان زمانهایی به تجار خارجی داده میشد که در مالزی کلیه بازرگانان و دلانان انگلیسی را یکباره قتل عام کرده بودند. (ایران از نظریه کانکان ابوالقاسم طاهری ص ۱۲)

۷- و این منبع ظاهراً از جهت تقویت بنیه نظامی ایران بوده است زیرا اسب در آن روزگار در جنگها همان وظیفه را داشت که امروز کامیونها و هواپیماها و هلیکوپترها انجام میدهند.

۸ - سیاست خارجی ایران ص ۲۶۶

۹- سیاست خارجی ایران ص ۲۷۶

و پارچه‌های زربفت و بعضی سنگهای قیمتی و پشم شتر (كرك) و توتون و خشکبار صادرات ابریشم به ۲۲۰۰ عدل (هر عدل ۱۱۰ کیلو) میرسید که قریب ۲۰۰۰ عدل آنرا هلندیها خریداری میکردند. ابریشم گمبرون به باتاویا و سپس به اروپا ارسال میشد و یک شکر کت هلندی در ازاء آن متعهد بود که ۱۲۰۰ صندوق شکر (هر صندوق ۱۵۰ پوند هلندی) تحویل دهد.<sup>۱۰</sup>

این شکرها از طریق راههای لاریا سیرجان به یزد و اصفهان میرسید، در افسانه‌های ما مردم پاریز روایتی هست که روزگاری مردم این‌ده، کاه ارزن را در برابر شکر برای کاروانی که از ده میگذشت مناهنی فروختند؛ یعنی یک من کاه ارزن دادند و یک من شکر در ازاء آن گرفتند؛ این نکته هر چند اغراق آمیز است اما اهمیت تجارت خارجی و تأثیر آنرا در تأمین ارز و فروش کالای محلی و آبادانی شهرها ثابت می‌کند.

تجار ابریشم که بیشتر ارمنی بودند آنقدر ترقی کردند که باور کردنی نیست، مثلاً خواجه نظر از ارمنه جلفای تبریز که از آنجا خارج شد چنان در تجارت ترقی کرد و نزد شاه عباس و جانشین اوشاه صفی اعتباراتی حاصل نمود که او را کلانتر ملت ارمنه کردند و او بافتخار وطن اصلی خود جلفا [آذربایجان]، دو کاروانسرای بزرگ در آنجا بنا کرد که هنوز در طرفین رودخانه باقی هستند و بیشتر از یکصد هزار اکو (هفت هزار تومان) در آنجا خرج کرد.<sup>۱۱</sup> ارمنی دیگری که در تجارت ترقی کرد، خواجه پطروس (متوفی ۱۰۵۰ هـ/ ۱۶۴۹ م) (پسرولی جان) بود که در اندک مدتی بازرگانی معتبر گردید و هم او بود که کلیسای «بیدخم» را در جلفای اصفهان بنا نهاد. تاجر دیگر ارمنی خواجه بغوس، پسر خواجه پطروس بود.

یکی از اولاد همین خانواده از اصفهان به هندوستان رفت و نماینده تجارت ابریشم شد (واصولاً چنین مرسوم بود که بازرگان معروف جلفای

۱۰- مینورسکی، سازمان اداری صفویه ص ۳۱

۱۱- سفرنامه تاورنیه ص ۱۰۶

اصفهان اغلب فرزندان خود را به عنوان نماینده تجار تی به هندوستان و جاوه و سایر کشورها میفرستادند). خواجه بطروس دوم که در مدرس در گذشت (۱۱۶۵ هـ ۱۷۵۱ م) وصیت کرده بود که قلب او را در جمبه طلائی به اصفهان حمل و در کلیسای جدش (کلیسای بیدخم) دفن کنند و چنین کردند.<sup>۱۲</sup>

امنیت راهها و رواج بازرگانی، توجه خارجیان، به سرمایه گذاری درین کشور جلب کرد. قراردادهای متعددی، خصوصاً در مورد تجارت ابریشم با دول خارجی بسته شده است. ابریشم بیشتر در کیلان بدست می آمد، و این محصول حتی مدتها پیش از صفویه نیز در آن سرزمین قابل توجه بوده است چنانکه حوالی سالهای ۷۹۰ تا ۸۰۵ هـ (۱۳۸۸ تا ۱۴۰۲ م) که تیمور مازندران را تسخیر کرد، مالیات آنجا به صورت ابریشم وصول میشد و کیلانات ده هزار من ابریشم مالیات می داد، و تیمور برای رعایت حاکم کیلان قسمتی از آن را بخشید نظام الدین شامی گوید: «از جمله کرم های پادشاهانه (تیمور) آن بود که مال کیلانات بر ۹۰ هزار من ابریشم، که به سنگ هرات پانزده هزار من باشد، و هفت هزار اسپ و ۳۰ هزار گاو مقرر شده بود، خواست که تربیت او [سیدرضا کیا حاکم کیلان که به حضور تیمور رسیده بود] به طریقه ای فرماید که رجحان او بر سایر ملوک کیلان ظاهر شود... از آنچه بر مرتضی مشارالیه و امیر محمد مقرر بود، نصفی و از آنچه بر بقیه ملوک کیلان مقرر بود ثلثی به یک دفعه و یک قلم در باره او انعام فرمود، و فرمان جهان مطاع به نفاذ پیوست تا محصلان و جوه آن مبالغ از جمع ایشان محسوب و مجری داشته به عرض رسانند».<sup>۱۳</sup>

نه تنها از زمان تیمور، بلکه قرنهای پیش از آن نیز، حمل کالای ابریشم چه از شرق و چه از جنوب شرقی (بنادر عمان) منبع درآمد بزرگ تجار تی بود، در تاریخ کرمان آمده است که در زمان طغرل شاه سلجوقی (جلوس ۵۵۱ هـ ۱۱۵۶ م) «عشور ابریشم مکران به سی هزار دینار رسید و تمغای بندر تیز (طیس) پانزده هزار دینار اجاره رفت».<sup>۱۴</sup>

۱۲- مجله وحید، فروردین ۱۳۴۵ س ۲۹۸

۱۳- ظفرنامه شامی س ۲۹۵

راه شمالی و شرقی نیز در آمدش کمتر ازین نبود، هنوز بقایای نفوذ کاروانهای ابریشم را در اصطلاح «پل ابریشم» که نزدیک قوچان است، در کتابهای تاریخی میتوان دید، این در واقع پلی بوده است از دهها پل که بر سر راه ابریشم وجود داشته‌اند.

این راه کاروان رو میان چین و ایران از طریق ترکستان چین، بر اساس گزارش «چانگ کی‌ین» چینی که بدر بار مهر داد دوم اشکانی (۸۷-۱۲۳ ق. م) آمده بود آغاز شد و بالاخره به صورت راه معروف ابریشم درآمد ... این شاهراه عظیم داد و ستد بین شرق و غرب از چین آغاز می‌شد، از ترکستان چین (سین-کیانگ)، بلخ، مرو، و از طریق حوضه نهر تارم به هکاتم پیلس (دامغان) و از آنجا به ری و همدان و سلوکیه (مدائن، تیسفون، بغداد) میرسید، از تیسفون راه دوتا می‌شد: یکی از طریق آشور (موصل)، حضر، نصیبین، و دیگری از طریق «دورا» بود که از آنجا از ساحل راست فرات یا از راه میان بریابانی از طریق پالمیر (تدمر) می‌گذشت.<sup>۱۵</sup>

مرحوم اقبال آشتیانی این مسیر را چنین بیان می‌کند:

«از ولایت توان‌هوانگ در چین به ولایت کان سو می‌آمد و از آنجا داخل ترکستان شرقی حالیه می‌شد و از طریق بیش‌بالیغ و المالیغ و اتراریمسمرقند و بخارا میرسید. در بخارا قسمت اصلی آن از راه مرو و گرگان به ری می‌آمد و از ری به قزوین و زنجان و تبریز و ایروان میرفت و از ایروان یا به طرابوزان و یا به یکی از بنادر شام منتهی می‌گردید. قسمت فرعی این راه از سمرقند به خوارزم و از خوارزم به سرای و هشرخان و از آنجا به کنار شط دن و بنادر دریای آرف آنها می‌یافت.»<sup>۱۶</sup>

کشورهای مهم اروپائی در تمام دوره صفویه قراردادهای تجارتنی خود را بر اساس مبادلات میان ابریشم بسته‌اند. در تواریخ آمده است که پس از عقد

۱۴- تاریخ وزیری تصحیح نگارنده س ۹۶

۱۵- میراث ایران س ۴۶

۱۶- تاریخ مفول، س ۵۶۹

قرارداد تجارتي میان شاه عباس و انگلستان، « شاه عباس به سفیر انگلستان، « سردوهور کوتون» گفت: چون میل ندارم ابریشم ایران را از طریق عثمانی صادر کنم، بنابراین حاضرم درزانویه هر سال ده هزار عدل ابریشم در بندر کمبرون بدولت انگلیس تحویل دهم و در برابر آن پارچه انگلیسی بگیرم.»<sup>۱۷</sup> بموجب قراردادی که بین شاه صفی و انگلستان منعقد شده بود، مقرر بود دولت انگلستان سالی ۱۵۰۰ لیره به عنوان پیشکشی به علاوه معادل شصت هزار لیره بابت بهای ابریشم بدولت ایران بپردازد، ازین مبلغ ثلث وجه نقد و دو ثلث دیگر جنس تحول می شد.<sup>۱۸</sup>

علاوه بر آن، هلندیها نیز کم کم انحصار تجارت در ایران را بدست آوردند. اینان بموجب قراردادی ابریشم را در تمام نقاط ایران خریداری نموده بدون پرداخت عوارض گمرکی صادر مینمودند و این اختیار در سال ۱۶۴۵ م (۱۰۵۵ هـ) از دولت ایران گرفته شده بود.

دولت فرانسه نیز برای آنکه از هلندیها عقب نماند هیئتی به دربار ایران فرستاد:

این هیئت در زمان شاه عباس ثانی حقوق تجارتي نظیر سایر ملل اروپائی بدست آورد که معافیت از پرداخت مالیات و حقوقی گمرکی تا مدت سه سال از آنجمله بود، و فرانسویها مؤسساتی در بندر عباس و اصفهان بنا کردند.<sup>۱۹</sup>

چنانکه گفتیم، تجار ارمنی در به ثمر رساندن تجارت ابریشم، اختیار و موقعیت فوق العاده یافتند، چنانکه وقتی بین مسلمانان ماربان اصفهان با ارامنه جلفا زدو خوردی در گرفت و آشوبی ایجاد شد، شاه عباس تا حدودی جانب ارامنه را گرفت و در فرمائی (۱۰۱۴ هـ ۱۶۰۵ م) چنین اظهار نظر کرد:

«حکم جهان مطاع شد آنکه: وزارت و رفعت پناه شمس الوزراء و الرفعه

۱۷- تاریخ ایران، سایکس، ج ۲، ص ۲۸۰

۱۸- تاریخ ایران، سایکس، ج ۲، ص ۱۸۱

۱۹- تاریخ ایران، سایکس، ج ۲، ص ۲۸۷

میرزا محمد دبیر دارالسلطنه اصفهان بداند که عریضه تو در باب ارامنه جولاه (جلفا) و مردم ماربان رسید و مضامین آن معلوم گردید.

بارک‌الله، روی ایشان سفید؛ فی الواقع قاعده مهمان نگاهداشتن همین باشد؛ جمعی که به جهت خاطر ما از وطن چندین هزار ساله خود جلا شده باشند و خروار خروار زر و ابریشم را گذاشته و بخانه شما آمده باشند، گنجایش دارند که بجهت چند خربزه و چند من انکورو کمبوزه با ایشان جنگ کنید؛ می‌باید جمعی که با ایشان نزاع کرده‌اند تنبیه‌نمائی و...»<sup>۲۰</sup>

درین فرمان هم اشاره شده است که ابریشم، حتی در ماوراء ارس نیز خانه‌های ارامنه را رنگین داشته، و اینان از آن نواحی با چشم‌پوشی از منافع خود به اصفهان آمده‌اند.

بهمین سبب است که در مطالعه «کلنی» و جامعه ارمنی عصر صفوی، به این نکته برخورد می‌کنیم که این اقلیت در امر تجارت توفیق بسیار یافته و در آمد کلان داشته‌اند.

شاردن گوید در میان بازرگانان ارامنه توانگرانی بودند که دویاسه هزار هزار (ا کوه) تمکن داشتند و حالا نیز خاندانهای يك هزار هزاری (میلیونر) هست. خواه‌جہ کریا تاجر ارمنی کسی بود که در غائله دویست تومان به قرض علیقلی خان شخص اول مملکت در زمان شاه سلیمان، داد<sup>۲۱</sup>. خواجه عابد بیگ کلیسائی در جلفا ساخت که چراغها و قندیل‌های زرین و سیمین و تابلوهای گرانبها داشت و چهار ارمنی را خرید و آزاد کرد.

علاوه بر ارمنیان، تجار مسلمان نیز از این راه ثروت بیشمار اندوختند، خود شاه عباس در اصفهان تنها ۲۵ کاروانسرا داشت که در آمد هیچیک در سال از ۳۶۰ تومان کمتر نبود.<sup>۲۲</sup>

تاورنیه گوید: «علت اینکه شاه عباس تجار ارمنی را برای تجارت خود

۲۰- مجله وحید، ۱۲/۵، ص ۱۱۵۸

۲۱- سیاست نامه ج ۸، ص ۸۷

۲۲- زندگانی شاه عباس اول، ص ۲۷۳



انتخاب کرد این بود که گفت: ایرانیها در کارتجارت دستی ندارند و میل آنها به شهوت رانی مفرط است و حال آنکه تاجر باید قوی بنیه و بیباک باشد. اما البته علت اصلی را باید درین دانست که این اقلیت هرگز خطری برای شاه ایجاد نمیکرد، علاوه بر آن به علت هم کیشی با خارجیان و زبان دانی آنها، امکان انجام تجارت بین المللی بیشتر بود.

فروش ابریشم در حکم انحصار دولتی بود و واسطه این انحصار، ارمینان بودند. بالتبعجه چنان ترقی کردند که باز به قول تاورنیه بعضی از آنها با وجود عسرت و پیریشانی بعد از دو سال تجارت، پس از مرگ، دوالی ۲۰ هزار تومان ارث گذارده بودند و یکی از معتبرین آنها خواجه بطروس بعد از فوت ۴۰ هزار تومان پول مسکوک نقد باقی گذارده بود، غیر از خانه شهری و ویلاقی و ظروف طلا و نقره و اثاث البیت.<sup>۲۳</sup>

شاردن نیز گوید: مشکل است باور کرد که چه اعجازی از یک حکومت خوب در سرتاسر مملکت به منصفه ظهور رسیده است. شاه عباس مهاجرین ارامنه را که مردم زحمتکش و صنعتگری می باشند به پای تخت خود آورد، اینها هنگام ورود به اصفهان یک ستاره در هفت آسمان نداشتند ولی بعد از سی سال باندازه ای متمکن و ثروتمند گشتند که از میان آنان بیش از شصت بازرگان برخاست که هر یکیشان از صد هزار اکو تادو میلیون ثروت داشت.<sup>۲۴</sup>

در روایات ما مردم پاریزهست که خواجه کریم الدین برا کوهی پاریزی، اول بار، شتردار بود و کالا از بندر عباس به یزد حمل میکرد و در آخر کارش بدانجا رسید که میلیونها ثروت اندوخت و املاک بی شمار خرید و به قول محمد مستوفی بافتی «آن جناب از جمله اشراف واعیان برا کوه کرمان بود... از او ان جوانی به یزد آمده به داد و ستد مشغول گشته به خریدن املاک و رقبات همت گماشت و چندان از باغات بهشت بنیاد و مزارع نزهت آباد و منازل دلنشین به عنوان ملکیه شرعی درید تصرفش قرار گرفت که از حیطة تعداد بیرون است...

۲۳- تاورنیه س ۶۲۶

۲۴- سیاحت نامه شاردن ج ۴ س ۳۹

در سده نهم و دهم تا سده شانزدهم (۱۰۱۳ هـ تا ۱۶۷۱ م) از دنیای ناپایدار کوتاه کرد. ۲۵ گویا وقفنامه این مرد که املاکی وقف کرده است هفده ذرع طول داشته است. ۲۶ کاروانسرای خواجه در یزد معروف است و وزیر همین کاروانسرا آب انباری بود که به روایتی اغراق آمیز برای یکسال، آب نصف جمعیت یزد را تأمین میکرده است.

ابریشم تنها از راه جنوب صادر نمیشد بلکه از راه شمال و خصوصاً روسیه (دولت مسکوی) نیز تجارت عمده داشت و از مراکز عمده‌ای که در شمال مرکز این تجارت بود، علاوه بر تبریز، از شهر اردبیل باید نام برد که به قول تاورنیه «زیارت قبر شیخ صفی‌الدین و تجارت ابریشم گیلان، اردبیل را یکی از معتبرترین شهرهای مملکت کرده بود، قوافل تجارت ابریشم که گاهی به هشتصد نهصد شتر میرسد، بیشتر در اشتها را این شهر مدخلیت دارند. بواسطه مجاورت گیلان و نزدیکی شماخی، که آنهم مقدار کثیری ابریشم میدهد و اینکه مسیر این دوشهر به طرف اسلامبول و از میر واردبیل، تسلسل قوافل تجار آنجا را دارای اهمیت فراوان کرده است. ۲۷

تبریز از اردبیل هم مهمتر بود و آنطور که تاورنیه گفته است: «عده کثیری تجار و مقدار وافر مال التجاره در آنجا (تبریز) هست، خصوصاً ابریشم که از گیلان و نقاط دیگر با آنجا حمل میشود. تجارت عمده اسبهای خوب و ارزان در آنجا رواج دارد، پول در آنجا بیش از سایر نقاط آسیا در گردش و جریان است، چندین خانواده ارمنی در آنجا متوطن و بتجارت مشغول و از تجارت فواید عمده برده متمول شده‌اند و سررشته آنها در تجارت بیش از ایرانیان است.

۲۵- جامع مفیدی ج ۳ ص ۴۹۸

۲۶- یکی از مواد جالب و قفنامه او از رقبات عقدا این بود که هر زواری که از عقدا

رد میشد، یک جفت گیوه و یک من نان با او میدادند در باب شرح حال او رجوع شود به تاریخ

کرمان ص ۱۶ و قلط و ۲۹۶ و مقاله نگارنده در باب آثار تاریخی اصفهان، مجله وحید

۲۷- تاورنیه ص ۱۲۴ و ۱۲۸

تبریز باعثمانی و اعراب و گرجیها و ایران و هندوستان و دولت مسکوی .  
 تاتارها دائماً تجارت دارد و بازارهای آن که تمام سرپوشیده است همیشه پر است  
 از امتعه نفیسه ، و برای ارباب صنایع بازارهای علیحده مخصوص دارد .  
 عده کثیری عمله جات ابریشم باف دارد که خیلی ماهر هستند و پارچه های  
 قشنگ خوب می بافند و عدد این صنعتگران بیشتر از همه اقسام آنهاست ،  
 بیشتر چرمهای ساغری که در ایران بمصرف میرسد در تبریز ساخته میشود .  
 سایر علاوه بر ابریشم ، کالای عمدۀ دیگری که صادر میشود پسته  
 کالاهای صادراتی ملایر و قزوین بود که به هندوستان میرفت . ساغری و تیماج  
 یک چشمه عمدۀ تجارت هلندیها بود و به لهستان و مسکوی ( روسیه ) نیز حمل  
 میشد . روناس ایران به هندوستان میرفت .

کرك کرمان از مواد مهم صادراتی بود ، تا ورنیه در باب آن گوید:  
 در او اخر سنه ۱۶۴۷م ( ۱۰۵۷هـ ) در سفر سوم به ایران در اصفهان یکی از پارسیان  
 قدیم را که آتش پرست هستند ملاقات کردم از حال این پشم ( کرك ) از او تحقیقات  
 نمودم ، او یک نمونه بمن نشان داد ، معلوم شد که منبع اصلی این قسم پشم ایالت کرمان  
 است که همان کارمانی قدیم باشد . در کوههای مجاور شهر ، که بهمان اسم ایالت  
 نامیده میشود ، علفهایی میرویند که این خاصیت به آنها اختصاص دارد ،  
 گوسفندهائی که در آن کوهها از ماه ژانویه تا مه از علفهای تازه چرا میکنند  
 تمام پشم بدنشان بخودی خود در میآید و بدن گوسفند را چنان عریان میکند  
 که به برۀ خوک شیری شبیه میشوند که پشم بدنشان را با آب جوش پاک کرده  
 باشند ، بطوریکه ابدأ محتاج نمیشوند که پشم آنها را چنانکه در فرانسه معمول  
 است با مقرض بچینند ، پس از آن پشم هارا میزنند ، خشن و درشت آنها میرود ،  
 کرك لطیف و نازکی باقی میماند که بعد از جمع آوری اگر بخواهند بجائی  
 حمل و نقل کنند باید روی آن آب نمک بپاشند که بید نیفتد و فاسد نشود .  
 این پشم را ابدأ رنگ نمیکند ، بالطبع رنگشان یا خرمائی روشن یا

فلفل نمکی خاکستریست، سفیدش بسیار کم‌یافت میشود و خیلی گرانتر است بجهت اینکه هم نادر است و هم مصرف زیاد دارد.

تمام گبرها در ایالت کرمان متوطن شده و تجارت این پشم متعلق به آنهاست ازین پشم شال می‌بافند که در ایران به کمر می‌بندند و یکنوع پارچه لطیف نازکی هم از آن ترتیب میدهند که به پارچه ابریشمی شبیه میشود. من دو طاقه از آن شالهای خیلی لطیف‌اعلی به فرانسه آورده و یکی را به ملکه والده مر حومه شاه (آن دوتریش) و دیگری را به مادام لادوسس دورلثان تقدیم کردم. برای معامله و تجارت ابریشم من نتوانستم بروم مگر در سنه ۱۶۵۴ م (۱۰۶۵ هـ) بعد از مراجعت از هندوستان از راه دریا از شهر «سورات» تا هرمز، زیرا که وقتی با آنجا رسیدم و خواستم از راه خشکی به اروپا مراجعت کنم مصمم شدم که به اصفهان بروم.<sup>۲۹</sup>

کالای عمده صادراتی دیگر روناس بود که بقول تاورنیه، روناس اسدآباد آذربایجان (حدودارس) معروف و تنها مملکتی است در تمام دنیا که روناس میدهد و در هندوستان و ایران یک چشمه تجارت عمده از آن میکنند و آن رنگ قرمزی که پارچه‌های هندوستان و مملکت مقول کبیر (مقصود هند است) را زینت میدهد از همین ریشه است. وقتی کشتیهائی که از هندوستان به هرمز می‌آیند و در مراجعت تمام ازین متاع بارگیری مینمایند خیلی تماشاگشایست. کاروانها دیده میشود که همه بارشان روناس است. این ریشه بسرعت رنگ پس میدهد، وقتی یک کشتی هندی در تنگه هرمز شکست و من خود حاضر بودم در ساحل دریا که این کیسه‌های روناس روی دریا موج میزد، تا چند روز رنگ آب در طول خط ساحل قرمز بود.<sup>۳۰</sup>

پسته قزوین و ملایر، بادام یزدو کرمان، کشمش، ترشی میوه، آلو و مرابا، گلاب و عطریات از کالاهای صادراتی به هند محسوب میشود. خشکبار آذربایجان بدیاری بکر و بغداد حمل میشود.

۲۹- تاورنیه ص ۱۸۵

۳۰- تاورنیه ص ۱۰۷

شتر به ارمنستان آناتولی فروخته میشد، گوسفند ایران تا اسلاهیول و ادرنه نیز میرفت. در ماه مارس و آوریل (اوایل بهار) روزی نبود که ماچندین گله نبینیم که هر کدام اقلاً هزار رأس گوسفند داشت.<sup>۳۱</sup>

علاوه بر این بعضی محصولات در خود مملکت مصرف میشد، مثل پوست بره لفل فل نمکی ساوه که برای لباس بکار میرفت. ظروف مسی وزری کاشان معروفیت داشت. کشت خشخاش و بدست آوردن تریاک در این دوره رایج و از محصولات عمده بود و بقول شاردن تریاک لنجان از همه جا بیشتر معروفیت داشت<sup>۳۲</sup> و افیون کازرون نیز معروف بود.

تنباکو و توتون در بیشتر نقاط بدست می آمد و باز بقول شاردن مهمترین نوع و قسمت اعظم توتون مصرفی هند از ایران صادر میشود. از اقدامات مهم و اساسی شاه عباس تصفیه کارمندان تریاک و منع استعمال تریاک در سال ۱۰۰۵ هـ (۱۵۹۶ م) بود، ولی البته این کار بطور کلی ترك نشد، حدود بیست سال بعد یعنی در سال ۱۰۲۸ هـ (۱۶۱۸ م) نیز کشیدن توتون و تنباکورا منع کرد و حتی بدستور او بینی و لب کسی را که تنباکو میکشید می بریدند، روش او در تنبیه اطرافیان برای منع استعمال این مواد واقعاً درخور توجه است.<sup>۳۳</sup>

۳۱- تاورنیه ص ۸۹۵

۳۲- شاردن ج ۴ ص ۴۹

۳۳- به قول شاردن، اطرافیان هنوز در اجرای تصمیم مردد بودند، شاه عباس تعبیه ای چید و بزرگان متملقین را خوب تنبیه کرد بدین طریق که:

«بدستور شاه عباس در مجلس اوقلیانها را بجای تنباکو با پشگل خشک و نرم پسر ساختند و آتش بر روی آن نهادند... شاه عباس گاه و بیگاه از حضرات رجال سؤال میفرمود

- این تنباکو چگونه است؛ وزیر همدان آنرا برای مصرف من هدیه فرستاده

هریک از اعیان و اشراف در پاسخ اظهار میداشتند: «قربان، این تنباکو فوق العاده

عالی است، بهتر از آن در جهان پیدا نمیشود.»

شاه از قورچی باشی سردار سپاهیان قدیمی پرسید: جناب عالی بفرمائید چگونه است؟

- قربان بسر مبارکتان قسم که چون برگ گل است...

شاه باخشم گفت: دادوی منفور لعنتی که با تپاله اسب فرقی ندارد. (شاردن ج ۴

از محصولات صادراتی دیگر انقوزه بود، انقوزه را به هندوسنان صادر میکردند و بقول شاردن، هندیها این گیاه را که بوی تند دارد به تمام خورشها و اغذیه میزنند. مومیائی نیز کالای قابل صدوری بود و آن صمغ گرانبھائی است که از صخره سنگ ترشح میشود. يك معدن در کرمان وجود داشت. این معدن جزء اموال سلطنتی بود و سالی یکبار استخراج میشد و مصرف طبیی داشت. گندم و برنج در همدان بسیار بعمل میآمد که به ولایات دیگر حمل میشد و عیسویان بابل هر ساله برای تجارت این کالاها به همدان و اصفهان می آمدند.<sup>۳۴</sup> خاک هرمز، جزیره‌ای که اصلا درخت در آن نمیروید، قیمتی بود و به هندوستان حمل میشد و عایدات این خاک برای تاجر صد در صد بود، سنگهای مرمر هرمز زادر کشتی‌های خالی خود حمل کرده به خارج میبردند.

گاهی میوه و شراب ایران به خارج میرفت. چینی‌های ساخت کرمان و مشهد با چینی‌های چین و ژاپن رقابت میکرد. معادن طلا و نقره را به نام معدنیات خورشید و ماه مینامیدند و لی استخراج آن چندان مورد اعتنا و استفاده نبود معدن نقره معروف در کروان و در منطقه گندمان و شاه کوه عایداتش فزونی داشت.<sup>۳۵</sup>

اجاره حمامها و خانه‌های عمومی و چشمه‌های نفت و اجازه شکار ماهی در رودخانه نیز عایداتی داشت.

فولاد ایران خوب بود و جوهر داشت. مس و سرب از کوههای مازندران و کرمان ویزد بدست میآمد. سنگ مرمر تبریز بسیار عالی بود و مثل بلور نور از آن میگذشت و بقدری نرم بود که به روایتی با کارد بریده میشد. فیروزه نیشابور از معادن مهم بود که ثروت قابل توجه به شاه میرساند. مروارید بحرین عواید بیشمار میرساند.

۳۴- تاورنیه س ۳۱۵

۳۵- زندگانی شاه عباس اول ج ۳ س ۲۷۳

۳۶- شاردن ج ۴ س ۹۲

## واردات

در مورد واردات باید گفته شود علاوه بر شکر که رقم عمده و مورد استفاده عموم بود و پارچه های مخملی و انواع دیگر منسوجات و بلور آلات و کالاهای خاص و نیز، بعضی اشیاء ساخته شده و مصنوعات نیز مورد توجه اعیان و اشراف بوده است.

از ارقام مهم واردات، یکی مشک بود که جنبه تجملی داشت. این همان مشک ختنی است که از آهوهای تبتی بوجود میآید و از راه هند بایران وارد میشد. این کالا آنقدر قیمتی و در عین حال کمیاب بود که یک رقم بزرگ عایدی برای سازندگان مشک تقلبی بوجود میآورد. مصرف آن بیشتر در جشن ها و اعیاد و موارد تزئینی بود.<sup>۳۷</sup>

این کالا، مورد علاقه بزرگان بود، وقتی سلطان محمد سلیم اکبر بعنوان هدیه «یک شامه عنبر اشهب که در وزن یک هزار و هشتصد مثقال بود زرگران نادره کار هندوستان در ظرفی مشبک از هفت من زرا حمر به فنون غریبه و قانون عجیبه تعبیه کرده بودند به حضور شاه عباس هدیه فرستاد (۱۰۲۰ ۱۶۱۱ م).<sup>۳۸</sup> از روسیه (مسکوی) ظاهراً پوستین و اسبهای گرجی وارد میشده است. وقتی شاه عباس خواست برای تبریک سلطنت سلیم پسر جلال الدین اکبر نماینده ای بفرستد، این کالاها را بعنوان هدیه همراهش فرستاد ۵۰ اسب تازی و گرجی و بیاتی، مقداری حله های زربفت و مخمل، چند پوستین روسی دراز- موی سیاه رنگ که آنرا قراخز میگویند هر یک از این پوستینها در آن زمان ۸۰ تومان قیمت داشته است.<sup>۳۹</sup> البته پانصد پارچه نیز که قسمتی خطائی<sup>۴۰</sup> و یزدی و اصفهانی وزری و زربفت های کاشان بود همراه او کرد.

۳۷- شاردن ج ۴ ص ۶۸

۳۸- روضه الصفا ج ۸ ص ۴۰۴

۳۹- ، ، ص ۳۹۶

۴۰- خطادادادب فارسی به سرزمین تبت گفته میشد و گاهی با «ت» نیز نوشته اند ، اما بیشتر با «ط» ضبط شده و اغلب این کلمه با خطای معروف ، جناس لطیفی در شعر آورده ، بقیه در صفحه —

بلورآلات واحجار وشمشیرها ونیزه‌های هندی و تفنگ‌های فتیله‌ای اسپانیائی از اشیاء مورد علاقه بود، ساعت‌های اروپائی که تازه در شرق باب شده بود کم و بیش وارد میشد.

**گمرکات** گمرک زمان صفویه هرچند وضع خیلی مرتبی نداشته ولی بهر حال یکی از موارد مهم درآمدشاه محسوب میشده است. در گمرک خلیج فارس حدودده درصد قیمت جنس حقوق گمرکی دریافت میشد. ولی این نرخ گاهی به ۱۶ درصد می‌رسید و ۴ درصد هم به شه‌بندر میدادند که زودتر کالا را مرخص کند. در سایر نقاط براساس تعداد بار بوده است. در زمان شاه عباس ثانی گمرکات بندر عباس و بندر گنگ حدود ۲۴ هزار تومان درآمد داشت. تا مدتی انگلیسها به علت همراهی درسیادت ایران بر خلیج، از عوارض صادرات و واردات معاف بودند و حتی قسمتی از عواید گمرکی بندر عباس به آنان متعلق بود.

**راهداری** - که باید آن را يك نوع مالیات گمرکی بحساب آورد، رایج بود و برای هر بار شتری معادل ۴ اکو راهداری می‌گرفتند، و این بمصرف حفظ و حراست راهها میرسید. ۴۱

رقابت شدید عثمانی با ایران موجب شده بود که همیشه مشکلاتی برای عبور کالادر نواحی مغربی پدید آید. حتی نمایندگان سیاسی و تجار تی خارجی، خودشان هم جرأت نداشته‌اند از عثمانی بگذرند و گاهی مجبور میشدند از طریق روسیه (مسکوی) عبور کنند یا از طریق دریای جنوب و هند بگذرند.

→ خصوصاً که ترکان خطای بزبانی معروف بودند و آهوی خطای که مشک داشت بر این جناس و جنس لطیف تعبیر لطیف‌تری اضافه میکرد. شاعری دوسه مفهوم بابافحشکی لطیف چنین بیان میکند:

چشمانت به آهوی خطاسخت شبیه است

از چشم تو پیداست که مادر به خطای!

۴۱- تاورنیه م ۱۱۰



در اطراف دجله گمر کخانه‌ها و قلمه‌هایی محل دریافت گمرک از قایقها بود، بعضی تجار پارچه‌های ماهوت را در زیر چوبهای قایقها و غیر آن پنهان میکردند که قاچاق وارد کنند، و گمر کیهاباسیخهای بلند که فرو میکردند، به کشف قاچاق میپرداختند.

تاورنیه گوید: حق گمرک در بغداد و بصره پنج درصد است اما گمر کچیها حتی خود امیر باندازه‌ای رعایت حال تجار را میکنند که در حقیقت امر بیش از چهار درصد ادانمی نمایند.

این امیر بصره بطوری در محاسبه و تعدیل جمع و خرج خود ماهر است که هر سالی سه میلیون لیور پس انداز میکند. عایدات عمده او از چهار چیز است: پول مسکوک، اسب، شتر، نخل خرما. خصوصاً این فقره آخری که دخلی گزاف دارد و سرچشمه اصلی ثروت اوست. تمام آن نواحی از محل اتصال دو رودخانه تا کنار سی لیو ۴۲ (فرسنگ) مسافت دارد پراست از نخل خرما، و احدی جرئت نمیکند که دست بیک دانه خرما بزند مگر اینکه مالیات آنرا که عبارت است از هر درختی سه چهار لادن (معادل نه سو پول فرانسه) ادا کرده باشد.

اما دخل او از مسکوکات از اینراه است که تمام تجاری که وارد بصره میشوند مجبورند هر قسم پولی که همراه دارند به ضرابخانه امیر برده سکه آنها را تغییر داده بصورت لارن در بیاورند و اینکار هشت درصد برای او دخل دارد. اما فایده از اسب، چون اسبهای بصره بهترین جنس تمام دنیاست، از حیث قشنگی و طاقت که میتوانند بلا فصل راه بروند بدون آب و خوراک خصوصاً مادیانها، بقیمت گزاف به فروش میرسند.

هلندیها هر ساله به بصره آمده ادویه می آورند. انگلیسی‌ها هم تجارت فلفل و میخک میکنند. اما تجارت پرتقالی‌ها بکلکی موقوف شده ... هندوها هم پارچه و نیل و از سایر اقسام امتعه به بصره آورده میفروشند. اغلب در آنجا تجار

اسلامبول وازمیر و حلب و دمشق و قاهره و سایر بلاد عثمانی جمع شده‌مال-  
 التجاره هندی خریده به شترهای جوانی که در همانجا خریداری میکنند بار  
 کرده به ولایات خود حمل مینمایند زیرا که اعراب بادیه هم شترهای خود  
 را به بصره آورده تجارت بزرگی میکنند . آنهائیکه از دیار بکر و موصل و  
 بغداد و بین‌النهرین و آشور برای خرید به بصره می‌آیند مال‌التجاره خود را  
 از روی دجله حمل مینمایند اما باز حمت زیاد و مخارج گزاف ، زیرا که برای  
 کشیدن قایقها غیر از آدم و سیله دیگری ندارند و آنها هم در روز بیش از  
 دولیوونیم (دو فرسنگ و نیم ) نمیتواند راه بروند و اگر باد مخالف باشد  
 بهیچوجه نمیتوانند حرکت بکنند ؛ بنابراین ، از بصره زودتر از شصت روز  
 به بغداد نمیتوانند رسید و گاهی دیده شده که بیش از سه ماه در راه بوده‌اند<sup>۴۳</sup>  
 پس از آنکه امامقلی خان بر خلیج مسلط شد و قلعه بکرد (بکرد) را  
 در ساحل خلیج خراب کرد ، بندر عباس را بنام شاه در آنجا بساخت<sup>۴۴</sup> این  
 بندر هر سالی لااقل ۲۰ هزار تومان بشاه منفعت میرساند .<sup>۴۵</sup>  
 بعد از آنکه امتیاز عایدت گمرکی این بندر بانگلیسها داده شد و نصف  
 عایدات آنرا میگرفتند ، شهبندر ایرانی با تاجار ساخت و ساز کرد : باری را  
 که هزار تومان قیمت داشت دویست تومان قلمداد میکرد و بانگلیسها اجازه  
 نمیداد که بارها را بازرسی کنند و بدین طریق به عایدات آنها لطمه وارد آورد  
 او شبانه بارها را بخانه تاجار میرساند . در آمد گمرک رادر زمان شاه سلیمان  
 شاردن به چهارصد هزار لیور بالغ دانسته است .  
 بر طبق روایت تاورنیه ، با این وضع انگلیسها سالیانه بیش از ۵۰۰ یا ۶۰۰  
 تومان نتوانستند سهم دریافت کنند .

پایان

۴۳- تاورنیه ص ۳۶۷

۴۴- روضة الصفا ج ۸ ص ۴۳۱

۴۵- تاورنیه ص ۸۸۳